

حسین فخر بناب*

بررسی قید «پنهانی بودن ربایش» در تعریف سرقت

مقدمه:

سرقت از دیرباز در همه جوامع بشری یکی از شایعترین و خطرناکترین جرائم شناخته شده است و قانونگذاران سعی کرده‌اند با پیش‌بینی مقررات جامعی در این زمینه، و برخورد قاطع با سارقین و خریداران مال مسروقه، از افزایش این جرم جلوگیری کنند. این تلاش تا جایی پیش‌رفته است که عواملی همچون وسیله سرقت، زمان یا مکان سرقت، نوع مال مسروقه، هویت سارق، تعداد سارقین، اعمال خشنونت به هنگام سرقت، یا سایر شرایط جانبی در حین ارتکاب جرم، موجب تشدید مجازات سارقین گردیده است و مواردی از قبیل سرقت مسلحانه، سرقت از بانکها و صرافیها و جواهرفروشیها یا مکانهای نگهداری اوراق بهادار و اشیاء گرانبها، سرقت از مناطق مسکونی،

* عضو هیأت علمی گروه آموزشی حقوق دانشگاه تبریز

سرقت در راهها و شوارع، سرقت همراه با شکستن حرز، سرقت مقرون به آزار و تهدید، تحت عنوان سرقت مشدده، از سرقت ساده جدا شده و مجازات سنگین تری برای آنها پیش‌بینی شود.

با توجه به آنچه گفته شد، به منظور اجرای اصل مهم قانونی بودن جرائم و کیفرها، اهمیت تعریفی جامع و مانع از جرم سرقت آشکار می‌شود. ماده ۱۹۷ قانون مجازات اسلامی در تعریف سرقت می‌گوید: «سرقت عبارتست از ربودن مال دیگری به طور پنهانی» این مقاله در حد و وسع خود بر آن است نقش قید «به طور پنهانی» را در تعریف مذکور مورد کنکاش قرار دهد. اهمیت این بحث زمانی روشن‌تر می‌شود که معنای ربایش پنهانی شکافته شود و موضع و هدف قانونگذار در تقنین فصل بیست و یکم قانون مجازات اسلامی (مواد ۶۵۱ تا ۶۶۷) آشکار گردد.

۱- معنای پنهانی بودن

در معنای لغوی کلمه سرقت، مفهوم خفیه مستتر است. مثلاً در فرهنگ لاروس زیر کلمه سرق آمده است: سَرَقَ سَرَقًا الشَّيْءَ: آن چیز پنهان شد. در مفردات راغب اصفهانی: «السَّرْقَةُ اخْتِذُ مَا لَيْسَ لَهُ اخْتِذُهُ، فِي خَفَاءٍ» سرقت برداشتن مخفیانه مالی است که حق برداشتن آنرا نداشته است. فرهنگ آکسفورد (Oxford) در تعریف سرقت از کلمه (Secretly) استفاده کرده است:

Steal:

Take another Person's property Secretly without Permission or legal right.

پنهان از نظر لغوی به معنای مخفی، نهان، مجهول، پوشیده، ناپیدا، سری، مستتر... آمده است. عرف نیز همین معانی را از این کلمه درمی‌یابد. پنهانی بودن، قید یا شرطی است که در تعریف فقهی سرقت دیده می‌شود، لیکن اغلب فقها منظور خویش را از این قید یا شرط به صراحت بیان نکرده‌اند. در مورد منظور مقنن و فقها از بکاربردن این قید یا شرط، چهار نظر را میتوان بررسی کرد:

الف- برخی از نویسندگان، پنهانی بودن را به معنای عدم توجه یا غفلت مالک یا متصرف مال، نسبت به عمل سارق در حین ربایش معنا می‌کنند. شهید ثانی بحث سرقت را با این جمله شروع کرده است: «وَيَتَعَلَّقُ الْحُكْمُ وَهُوَ هُنَا الْقَطْعُ بِسِرْقَةِ الْبَالِغِ الْعَاقِلِ... سِرّاً (مِنْ غَيْرِ شُعُورِ الْمَالِكِ بِهِ)»^۱ و به جهت اتخاذ همین عقیده، سرقت گوسفند را در چراگاه در هیچ حالتی مشمول مجازات حد نمی‌داند چرا که بنظر وی و کسانی که با او هم نظرند در مسئله «مراعی با چشم» چنانچه چوپان متوجه گوسفندان نباشد حرزی وجود نخواهد داشت و اگر متوجه گوسفندان باشد ربایش پنهانی نخواهد بود.^۲

بعضی از حقوقدانان معاصر نیز پنهانی بودن را به همین معنا میدانند.^۳ شاید اتخاذ این مفهوم از جانب برخی حقوقدانان متأثر از سابقه ذهنی آنان از مقررات قانون مجازات عمومی سابق و قوانین جزائی کشور فرانسه باشد. توضیح اینکه قانون مجازات عمومی قبل از انقلاب، سرقت را تعریف نکرده بود. رویه قضائی و حقوقدانان جزائی با توجه به فهم عرفی از معنای سرقت و حقوق جزای فرانسه که خاستگاه اصلی قوانین جزائی گذشته بود، معتقد بودند که «سرقت ربودن متقلبانه مال دیگری است.» آنچه در این تعریف به کلمه «پنهانی» نزدیک است کلمه «منقلبانه» است که خود این قید ظاهراً در قوانین جزائی

فرانسه برای سرقت وجود ندارد. ماده ۳۷۹ قانون جزای فرانسه می‌گوید: «هر کسی شیئی را که متعلق به وی نیست بر باید مرتکب دزدی شده است»^۴ در واقع متقلبانه بودن قیدی است که یکی از حقوقدانان فرانسوی بنام «گوایه» به تعریف مذکور افزوده است و این تعریف مورد پسند حقوقدانان ما قرار گرفته است با این استدلال که متقلبانه بودن در معنای کلمه ربودن مستتر است و بعبارت دیگر برداشتن مال دیگری همیشه ربودن مال محسوب نمی‌گردد بلکه زمانی ربودن تلقی می‌شود که متقلبانه برداشته شود. منظور از متقلبانه بودن ربایش «عدم رضایت و عدم توجه مالک به عمل ربایش»^۵ می‌باشد.

لازمه چنین تفسیری از پنهانی بودن این است که اگر ربایش در مرئی و منظر عموم صورت گیرد ولی شخص مالک آنرا نبیند، عمل را پنهانی بدانیم. همچنین در موردی که عمل سارق همراه با پنهان‌کاری بوده ولی حسب اتفاق مالک ناظر جریان ربودن مال خود باشد عمل را پنهانی ندانیم. در صورتیکه معنای عرفی این کلمه اجازه چنین برداشتهایی را به ما نمی‌دهد. از سوی دیگر، در همان مسئله مراعی با چشم، مثل چوپانی که در چراگاه احشام را تحت نظر دارد، یا فروشنده‌ای که اجناس خویش را بیرون از مغازه در معرض دید عموم گذاشته و با نگاه خویش آنها را مراقبت می‌کند، تعدادی از فقها بدون توجه به اینکه در اثر نگاه و توجه چوپان یا صاحب کالا وصف پنهانی بودن ممکن است از بین برود (و با اعتقاد به تحقق حرز به صرف مراقبت) حکم بر قطع ید رباینده داده‌اند. این عقیده نشانگر این است که این دسته از فقها یا اساساً نیازی به تعریف عمل پنهانی ندیده‌اند و یا پنهانی بودن را صرفاً به معنای عدم توجه و عدم رضایت مالک نمی‌دانند. بهر حال با ایرادات مذکور دلیلی بر اختصاص مفهوم پنهانی بودن بر معنای مزبور وجود ندارد.

ب- برخی از حقوقدانان معتقدند که مراد از پنهانی بودن ربایش، مخفی بودن آن از دید عموم است. در این معنا، پنهانی بودن نقطه مقابل علنی بودن است. ^۶ بند الف ماده ۲۱۴ مکرر قانون مجازات عمومی سابق، علن را به این نحو تعریف کرده بود: «از نقطه نظر قوانین جزائی، خواه این قانون، و خواه قوانین جزائی دیگر، مقصود از ارتکاب عمل به طور علنی ارتکاب آن در مرئی و منظر عموم است، اعم از اینکه محل ارتکاب از امکنه عمومی باشد یا نه، و یا ارتکاب آن در امکنه‌ای است که متد برای پذیرفتن عموم باشد از قبیل حمامهای عمومی و قهوه‌خانه و نمایشگاه و مانند آن.»

فقها این معنا را در بحث از حرز مورد توجه فرار داده و تعاریف مختلفی از حرز کرده‌اند. اما همگی معتقدند که محل‌هایی مثل حمامها، مساجد، آسیابهای عمومی از آنجائی که همه در ورود به آن آزادند و نیازی به اذن مالک در ورود نیست، حرز محسوب نمی‌شوند.^۷

کلمه علن در موادی مثل ۵۱۷، ۶۳۸، ۷۰۱ ق.م.ا. نیز به معنای ارتکاب عمل محرمانه در انظار و اماکن عمومی به کار رفته است. قرار دادن مفهوم خفیه در مقابل علن هر چند که برای بسیاری از موارد معیار خوبی به دست می‌دهد، اما اشکالی که ممکن است پیش آید این است که

اولاً: چنانچه سارق بدون توسل به پنهانکاری و حتی با توسل به زور و خشونت و تهدید ساکنین محلی و در مقابل چشم مالک یا مالکین اقدام به ربایش مال نماید، لابد مطابق این معنا از قید «بطور پنهانی» چنین سرقتی را باید مخفیانه شناخت زیرا منزل خصوصی افراد معدّ برای پذیرش عموم نیست و برای ورود، اذن مالک لازم است و عملاً هم فرد یا افرادی غیر از مالک یا مالکین در آنجا حضور نداشته است، البته که پنهانی شناختن چنین ربایشهایی محل تردید

است.

ثانیا: ماده ۲۱۴ مکرر صرفاً مهیا بودن برای ورود عموم افراد را برای تحقق مفهوم علن کافی دانسته بود، حال آنکه مهیا بودن برای پذیرش عموم باید در ظرف زمانی و مکانی خاصی مورد توجه قرار گیرد. مثلاً مسجد یا سینما در طول روز برای پذیرش عموم مهیاست ولی هنگام شب این چنین نیست. اگر محلی برای پذیرش عموم آماده باشد لیکن در لحظه وقوع جرم فردی غیر از مرتکب آنجا حضور نداشته باشد، مثلاً فردی ساعت هشت صبح قالی را از مسجد سرقت کند که معمولاً در چنین ساعاتی فردی در آنجا حضور ندارد، آیا میتوان گفت که بدلیل مهیا بودن برای پذیرش عموم عمل مخفیانه نیست؟ «در واقع اگر منظور قانونگذار از پنهانی بودن سرقت آن باشد که هیچ کس نباید شاهد جریان سرقت باشد بین این شرط و بند یک ماده ۱۹۹ ق.م.ا. که یکی از راههای ثبوت سرقت را شهادت دو مرد عادل دانسته است تعارض به وجود می آید چرا که قانونگذار از یک سو عملی را سرقت دانسته است که هیچ کس آنرا مشاهده نکرده باشد و از دیگر سو سرقت را با شهادت دو مرد عادل که ارتکاب آنرا مشاهده کرده اند قابل اثبات اعلام کرده است.»^۸

ج- یک تفسیر دیگر از قید «بطور پنهانی» این است که سرقت ارتکاب شده، لزوماً نه از دیده مالک پوشیده است و نه از چشم دیگران، لیکن مرتکب بی اطلاع از توجه مالک یا سایرین به عمل مجرمانه خویش، گمان میکند که یک عمل مخفیانه انجام می دهد. به عبارت ساده تر، رایبنده آنچنان مشغول عملیات خویش یا جمع آوری اثاثیه است که متوجه اطراف خود و کسانی که ناظر جریان سرقت هستند، نیست. در مورد این برداشت از پنهانی بودن سه ایراد زیر قابل طرح است:

اولاً: «پنهانی بودن وصف ذهنیت نیست و وصف عمل است. اوصاف فعل جزء عنصر مادی جرم است و به گمان فاعل که در عنصر روانی جرم می‌توان از آن صحبت کرد، ارتباطی ندارد.^۹ نحوه گمان مرتکب نمی‌تواند اوصاف فعل را تغییر دهد.

ثانیاً: پذیرش این معنا در راه اجرای قانون مشکلات عملی ایجاد می‌کند. اگر اوصاف خفیه یا علنی بر گمان مرتکب استوار گردد چگونه می‌توان این مسئله ذهنی را ثابت کرد؟ آیا ذهنیت افراد قابل کشف است؟ و بر فرض این که بتوان به ذهنیت افراد راه یافت آیا این امر راه را برای تفتیش عقاید و مقاصد اشخاص که قانوناً ممنوع است هموار نمی‌سازد؟ آیا با این برداشت سارقان حرفه‌ای و سابقه‌دار برای رهائی از مجازات سنگین سرقت فوراً مدعی نخواهند شد که گمان می‌کرده‌اند در علنی مرتکب بزه می‌شوند؟ قاضی یا مالباخته چگونه می‌توانند ثابت کنند که گمان مرتکب بر خلاف ادعای فعلی او بوده و عمل وی مشمول تعریف سرقت است؟

ثالثاً: این برداشت از مفاهیم لغوی و عرفی پنهانی بودن فاصله می‌گیرد. مثلاً چنانچه سارق در معرض دید مالک و دیگران، به گمان اینکه کسی عمل وی را نمی‌بیند مرتکب ربایش گردد، چنین وضعیتی بدون شک پنهانی نیست، اما مطابق مفهوم اخیر پنهانی تلقی می‌شود.

د- با توجه به ایرادات ناشی از سه تغییر فوق بهتر آن است که پنهانی بودن را مستقل از سارق یا مسروق‌منه یا سایرین معنا کنیم. منظور از قید مذکور این نیست که مالباخته یا دیگران به هیچ وجه نباید شاهد جریان سرقت باشند یا اینکه سارق به تصور خود چنین پندارد که فردی متوجه عمل مجرمانه او نیست. (بلکه منظور از آن توسل سارق به «پنهان‌کاری» است. عمل کسی که دل

تاریک شب را برای ارتکاب جرم خود برگزیده و تمامی تمهیدات لازم را اندیشیده است تا کسی شاهد جرم وی نباشد، مخفیانه تلقی می‌گردد، هر چند که صاحبخانه یا همسایگان اتفاقاً بیدار شده و ناظر جریان سرقت قرار گیرند، ولی از روی ترس یا به انگیزه دیگر، دست به هیچ اقدامی نزنند. از سوی دیگر، حمله مسلحانه سارق را به یک بانک در هنگام روز نمی‌توان مخفیانه و پنهانی تلقی کرد، هر چند که اتفاقاً هیچ کس در محل ارتکاب جرم حضور نداشته باشد... (بنابراین به طور خلاصه منظور از ربودن پنهانی، ربودنی است که با پنهان‌کاری و به طور خفیه انجام گیرد نه در مرئی و منظر عموم، لیکن مشاهده اتفاقی صاحب مال یا سایرین چنین ربایشی را از حالت مخفیانه بودن یا پنهانی بودن خارج نخواهد ساخت.)^{۱۰} به عبارت دیگر اگر فاعل جرم مقدمات کار را (از قبیل زمان و مکان، وسیله جرم و مسائلی از این قبیل) طوری اندیشیده باشد که کسی متوجه فعل وی نگردد، به طوری که اطلاع یافتن مالک یا دیگران غیرمنتظره و غیرمحمتمل و اتفاقی باشد، عمل پنهانی محسوب خواهد شد و ملاک تشخیص آن نیز با توجه به کلیه شرایط و اوضاع و احوال عرف است.

۲- نقش قید «بطور پنهانی» در تعریف سرقت

حال نوبت آن است که بدانیم این قید چه نقشی در تعریف سرقت دارد. ابتدا به عنوان مقدمه باید بگوییم که ورود این قید در متن تعریف (بویژه قبل از تصویب کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۵ که فصل ۲۱ آن از ماده ۶۵۱ تا ۶۶۷ به بحث «سرقت و ربودن مال غیر» اختصاص یافته) مسئله تعیین مجازات برای انواع سرقتها علنی را که اغلب شدیدتر و خطرناکتر از سایر سرقتها هستند، با مانع جدی روبرو ساخته بود. زیرا هم در ماده ۲۱۲

قانون حدود و قصاص ۱۳۶۱ و هم در ماده ۱۹۷ فعلی که جایگزین آن شده پنهانی بودن به عنوان وصفی برای ربایش، بخشی از تعریف سرقت بود و لذا کلیه مواردی که به طور غیرپنهانی یا علنی اقدام به ربایش مال می‌شد، مثل سرقت‌های مسلحانه و سرقت مقرون به آزار و تهدید، از شمول تعریف خارج می‌شدند و نمی‌توانستیم با تعریف مذکور به آنها اطلاق سرقت بکنیم.

ضرورت چاره‌اندیشی برای یافتن راه قانونی جهت مجازات سرقت‌های علنی، حقوقدانان را بر آن داشته بود که یا پنهانی بودن را طوری معنا کنند که دامنه تعریف سرقت را محدود نکند و یا آنرا از تعریف سرقت به طور کلی خارج نموده و به عنوان یکی از شرایط نوعی از سرقت‌های مشدد یعنی سرقت مستوجب حد معرفی کنند تا بتوان سرقت‌های علنی را قابل مجازات شناخت. توضیح بیشتر این‌که:

همچنان که قبلاً گفتیم بعضی از صاحب‌نظران برای اینکه قید «به طور پنهانی» موجب بیرون ماندن سرقت‌های علنی از دایره شمول تعریف نگردد، می‌گفتند که این قید معادل «به طور متقلبانه» در تعریف سرقت، در حقوق جزای عرفی است و منظور از متقلبانه بودن، بی‌اطلاعی و عدم رضایت مالک نسبت به عمل سارق است. در این معنا متقلبانه بودن مفهوم وسیعی دارد که یکی از مصادیق آن می‌تواند پنهانی بودن باشد.

اما اغلب حقوقدانان چاره کار در این دیده و می‌بینند که مخفیانه بودن را از تعریف خارج کنند و فقط به عنوان شرطی برای سرقت مستوجب حد تلقی نمایند.^{۱۱} نتیجه آنکه اگر ربایش، شرط پنهانی بودن را همراه با سایر شرایط لازمه داشت، مجازات سارق قطع دست اوست، و اگر این شرط را نداشت، سرقت است اما مستوجب حد نیست، بلکه سرقت تعزیری است. علیرغم ماده

۱۹۷ که به طور مطلق سرقت را تعریف کرده بود، این نظر تا حدود زیادی قابل قبول می‌نمود. زیرا:

اولاً: تعریف ماده ۱۹۷ در باب حدود قانون مجازات اسلامی، و تحت عنوان «باب هشتم: حد سرقت» آمده، و با توجه به عنوان این باب، به تعریف سرقت مستوجب حد اختصاص دارد.

ثانیاً: ماده ۲۱۵ قانون حدود و قصاص مصوب ۱۳۶۱ که هم اکنون نسخ شده است، مخفیانه بودن را از شرایط اجرای حد شناخته و بنا به تصریح تبصره این ماده در صورت فقدان خصوصیت مذکور سارق تعزیر می‌گردد.^{۱۲} ثالثاً: اگر توجه کنیم فقها و قانونگذار بعضاً در مورد ربایشهای غیر مخفی هم از مشتقات کلمه سرقت استفاده کرده‌اند.

رابعاً: آنچه این برداشت را تقویت می‌کند آن است که فقها کمتر اصالتی برای سرقت مستوجب تعزیر قائلند و ربایشهایی را که فاقد شرایط اجرای حد هستند تحت عناوین دیگری چون استلاب، اختلاس، احتیال و اخذ بالسوم مورد بحث قرار میدهند و بنابراین وقتی سرقت را تعریف می‌کنند و یا از سارق نبودن کسی که به قهر و غلبه و به صورت آشکار مالی را می‌رباید سخن می‌گویند در واقع اشاره به سرقت مستوجب حد دارند و اتخاذ همین رویه توسط قانونگذار ایران به پیروی از شیوه فقیهان بعید به نظر نمی‌رسد.^{۱۳}

این عقیده تا قبل از تصویب کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۵ تا حدی قابل قبول به نظر می‌رسید و لذا بسیاری از حقوقدانان آن را پذیرفته بودند. اما مهم این است که ببینیم آیا این عقیده با موضع قانونگذار در تصویب مقررات فصل بیست و یکم از بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی سازگاری دارد یا نه؟

۳- مفهوم فقهی سرقت و موضع قانونگذار

مروری در مبحث سرقت قانون مجازات اسلامی مواد ۱۹۷ تا ۲۰۳، در باب حدود، و ۶۵۱ تا ۶۶۷، در باب تعزیرات، نشانگر این واقعیت است که برخلاف نظر بسیاری از حقوقدانان که سعی داشتند با استدلالهای ذکر شده، پنهانی بودن را از تعریف سرقت خارج کنند و در زمره شرایط اجرای مجازات حدّ قرار دهند، مقنن این قید را نه از شرایط حدّ، بلکه بخشی از تعریف مطلق سرقت می‌داند. و اگر تا قبل از تصویب مواد ۶۵۱ تا ۶۶۷ در سال ۱۳۷۵ این گفته محل تردید بود، امروزه دیگر با تصویب مواد یادشده تردیدی نیست که از نظر قانونگذار پنهانی بودن جزئی از تعریف سرقت است و نه شرطی از شرایط حدّ.

الف- مفهوم فقهی سرقت

در معنای لغوی سرقت دیدیم که پنهانی بودن در خود کلمه سرقت نهفته است و فقها هم این مطلب را مورد عنایت قرار داده‌اند. منبع اصلی قانونگذار ما در تقنین بحث سرقت آرای فقهی بوده است، لذا برای فهم بهتر دیدگاه مقنن به تعریف فقهی سرقت نیز باید توجه کرد. هر چند که در روایات یا کتب فقهی در مورد بعضی از ربایشهای غیر پنهانی هم از مشتقات کلمه سرقت استفاده شده، و مقنن نیز از این رویه پیروی کرده است، اما به طور کلی هم در روایات و هم در منابع فقهی، بردن مال دیگری به صورت غیرمخفیانه را در آخر بحث سرقت یا محاربه تحت عناوین خاصی، همچون قطع طریق، لصّ (به کسر یا ضم لام و سکون و تشدید صاد)، استلاب، اختطاف، انتهاب، غضب، اختلاس، احتیال، طراری و اخذ بالسوم مطرح کرده و آنها را از شمول عنوان سرقت و مجازات آن خارج ساخته‌اند و جز قطع طریق و لصّ که مجازات آنها برابر

مجازات محاربه است سایر موارد مذکور را تحت همین عناوین خاص مشمول کیفری تعزیری شناخته‌اند.^{۱۴} (بعدا" در این مورد بحث خواهیم کرد.)

حتی فقهای اهل سنت با صراحت بیشتری این موضوع را بیان کرده‌اند. ابن قدامه که یکی از فقهای بنام اهل سنت است می‌نویسد: «... وَ مَعْنَى السَّرْقَةِ أَخْذُ الْمَالِ عَلَى وَجْهِ الْخَفِيَّةِ وَالْإِسْتِثَارِ...»^{۱۵} و در کتاب بدائع الصنائع که از منابع معتبر فقهی عامه است چنین آمده: «أَمَّا رُكْنُ السَّرْقَةِ وَهُوَ الْأَخْذُ عَلَى سَبِيلِ الْإِسْتِخْفَاءِ... وَ لِهَذَا يُسَمَّى الْأَخْذُ عَلَى سَبِيلِ الْمُجَاهَدَةِ أَوْ مُغَالَبَةِ أَوْ نَهْبَةٍ أَوْ خَلْسَةِ أَوْ عَضْبًا أَوْ إِنْهَابًا أَوْ إِخْتِلَاسًا لَا سَرْقَةً»^{۱۶}

یعنی رکن سرقت اخذ مال به نحو مخفیانه است و بهمین دلیل اخذ آشکار مال سرقت محسوب نمی‌شود.

آقای دکتر فیض می‌کنویسد: «در مورد سرقت از میان همه شرایط نامبرده شده آن، دو شرط از همه مهمتر است که از ارکان جرم سرقت شمرده شده است، یکی اینکه سارق به طور سری و پنهانی بر مال مسروقه دست یابد و دیگر این که آنرا از حرز بیرون بکشد و این نزد فقهای همه مذاهب شیعه و اهل سنت از اعتبار خاصی برخوردار است و در آن هیچ شبهه‌ای ندارند مگر مذهب ظاهریه که عادت آنان اعتماد بر ظاهر آیات است»^{۱۷}

ب- موضع قانونگذار

به نظر میرسد قانونگذار در تقنین مقررات راجع به جرم سرقت یه معنای لغوی و مفهوم فقهی سرقت توجه داشته و از آن کاملاً تبعیت کرده است. اولاً: «بر خلاف توجیهات به عمل آمده مذکور^{۱۸} هر چند که ماده ۲۱۲ سابق و ماده ۱۹۷ فعلی در باب حدود و تحت عنوان «حد سرقت» ذکر شده، اما

تعاریف مذکور مطلق است. به اضافه، مقنن هر چند به سرقت تعزیری نیز قائل است اما نه در قانون تعزیرات ۱۳۶۲ و نه در فصل بیست و یکم قانون مجازات فعلی مصوب ۱۳۷۵ تعریف خاصی برای این نوع سرقتها ارائه نکرده است. از اینجا می‌توان استنباط کرد که سرقت مستوجب حد، یا سرقت تعزیری از لحاظ تعریف تفاوتی ندارد، بلکه این شرایط متفاوت است که آنها را از هم جدا می‌کند.

ثانیا: یکی از دستاویزها و دلایل مهم در دست حقوقدانانی که پنهانی بودن را از شرایط سرقت مستوجب حد تلقی کرده و آنرا به عنوان بخشی از تعریف نمی‌پذیرفتند وجود ماده ۲۱۵ قانون حدود و قصاص مصوب ۱۳۶۱ در کنار ماده ۲۱۲ آن قانون بود که صراحتاً مخفیانه بودن ربایش را از شرایط ثبوت حد قرار داده بود و به همین سبب نیز پیشنهاد می‌کردند که قید پنهانی بودن از متن ماده ۲۱۲ حذف و به جای آن عبارت «به طور متقلبانه» اضافه گردد،^{۱۹} تا برای همگان یقین حاصل شود که مخفیانه بودن فقط از شرایط سرقت مستوجب حد به عنوان نوعی سرقت مشدد است.

اما مقنن در تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ درست عکس این پیشنهاد عمل نمود یعنی ماده ۲۱۲ به همان صورت در ماده ۱۹۷ تکرار شد ولی ماده ۲۱۵ به طور کلی حذف گردید، به نظر ما قانونگذار با این روش پیشنهاد مذکور را کاملاً مردود شناخته و عقیده خود را دایر بر اینکه سرقت لزوماً عملی پنهانی است، به طور روشن بیان کرده و جایی برای بحث و گفتگو باقی نگذاشته است.

ثالثاً: سرقت تعزیری در قانون تعزیرات ۱۳۶۲ فقط در ماده ۱۰۸ ذکر شده بود: «هرگاه سرقت جامع شرایط حد نباشد سارق به شلاق تا ۷۴ ضربه

محکوم می‌شود.» الان مقتن در فصل بیست و یکم در کنار کلمه سرقت «(ربودن مال غیر)» را آورده و در موارد ۶۵۷ و ۶۶۷ این رویه را تکرار کرده است. بویژه آنچه خیلی اهمیت دارد و برای برخی از نویسندگان نامفهوم و ناشناخته مانده و برداشتهای نادرستی را سبب گردیده است،^{۲۰} ماده ۶۶۵ ق.م.ا. است که مقرر می‌دارد: «هر کس مال دیگری را بر باید و عمل او مشمول عنوان سرقت نباشد به حبس از شش ماه تا یکسال محکوم خواهد شد.....» سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که «(ربودن مال غیر)» چه چیزی از سرقت کم دارد؟ تعریف سرقت از چهار کلمه تشکیل شده است: ربودن، مال، دیگری، پنهانی - ربودن مال غیر یا ربودنی که مشمول عنوان سرقت نیست فقط دارای وصف پنهانی نیست، بدین ترتیب تردیدی باقی نمی‌ماند که مقتن سرقت را عمل پنهانی می‌داند و کلیه ربایشهای غیر پنهانی را از تعریف سرقت خارج و تحت عناوین خاصی مثل ماده ۶۵۷ یا تحت عنوان کلی «(ربودن مال غیر)» در ماده ۶۶۵ قابل مجازات می‌شناسد.

بنا به ادله فوق، تردیدی نیست که حداقل از نظر مقتن پنهانی بودن جزئی از تعریف سرقت است و ربایش غیر پنهانی در فقه و قانون ما سرقت نامیده نمی‌شود، بلکه ممکن است عنوان مجرمانه دیگری داشته باشد.

۴- عناوین تعزیری مشابه سرقت

از آنجائی که فقهای اسلام سرقت را عملی پنهانی می‌دانند، لذا به پیروی از روایات وارده ربایش غیر پنهانی مال را تحت عناوین خاص مطرح کرده و اغلب مشمول مجازات تعزیری شناخته‌اند. حال برآنیم که هر یک از این عناوین را به طور مختصر تعریف کنیم:

الف- سرقت مسلحانه و قطع طریق

لصّ (به کسر یا ضم اول و سکون و تشدید دوم) به معنای دزد و جمع آن لصوص، الصاص و لوصه از مصدر لصوصیه (دزدی) و صیغه اول ماضی آن لصّ میباشد.^{۲۱} لصّ فردی است که به قصد دزدی با سلاح و زور وارد ملک دیگری گردد.

قطع طریق یا راهزنی عمل کسی را گویند که در جاده‌های بین آبادیها به قصد سرقت اموال مسافرین کمین نموده و با حمله خود در فرصت مناسب آنان را غافلگیر ساخته و با ترسانیدن و تهدید اموال آنان را به غارت می‌برد.

هر چند که لصّ و قاطع‌الطریق هدفشان بردن اموال است، اما چون این کار به طور آشکار و همراه با قهر و تشدد صورت می‌گیرد و عمل موجب سلب امنیت و آسایش عمومی می‌گردد، از این جهت مجازات آنها مساوی با مجازات محارب است. ماده ۱۸۵ ق.م.ا. متخذ از این عقیده است که می‌گوید: «سارق مسلّح و قاطع‌الطریق هرگاه با اسلحه احتیاط مردم و جاده را برهم زند و رعب و وحشت ایجاد کند، محارب است.» حکم این ماده در خصوص راهزن در ماده ۶۵۳ ق.م.ا. نیز تکرار شده: «هرکس در راهها و شوارع به نحوی از انحاء مرتکب راهزنی شود در صورتی که عنوان محارب بر او صادق نباشد به سه تا پانزده سال حبس و شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم می‌شود.» محارب شناخته شدن راهزن مشروط است به اینکه عمل او موجب سلب امنیت و رعب و هراس عمومی گردد وگرنه مجازات وی حبس تعزیری و شلاق خواهد بود.

ب- استلاب (اختطاف - انتهاب)

استلاب از ریشه سلب به معنای نزع، کندن، گرفتن مال به زور و

آشکارا و به عبارت دیگر ربودن مال و فرار کردن می‌باشد.^{۲۲} انتهاب از ریشه نهب به معنای غارت و اخذ مال با قهر و غلبه و فرار است.^{۲۳} اختطاف نیز از خطف به معنای ربایش ناگهانی همراه با زور و غارت اموال می‌باشد. بعضی از فقها از کلمه غصب نیز استفاده کرده‌اند. مرحوم ابن ادریس حلی می‌نویسد: «والسارق آخذ الشيء على جهة الاستخفاء من حرزه... ولا قطع ايضاً على الغاصب لأن الغاصب غير الخائن و غير السارق و هو الذي ياخذ الشيء قهراً» و جهراً...» سارق کسی است که مال را به طور مخفی از حرزش بردارد و بر غاصب قطع دست نیست زیرا او نه خائن است و نه سارق. او کسی است که مال را با زور و به طور آشکار اخذ می‌کند. مجازات مستلب، مختطف، منتهب و غاصب تعزیر است.

ج- اختلاس

در فرهنگ لاروس ذیل لغت خلس، آن را به ربودن چیزی با فریب و نیرنگ معنا کرده‌اند. و در فرهنگ سه جلدی عمید به معنای ربودن، دزدیدن، و پنهانی برداشتن می‌باشد. در این جا مفهوم اختلاس از نظر حقوق جزای عرفی و قوانین کیفری مدنظر نیست، بلکه این یک اصطلاح روائی و فقهی است. بعضی از فقها اختلاس را مترادف استلاب دانسته‌اند. صاحب جواهر به نقل از بعضی کتب فقهی می‌نویسد: مختلس کسی است که مال را به طور ظاهر و بدون کاربرد خشونت یا سلاح اخذ کند و اضافه می‌کند که شاید این معنا را از صحاح اهل سنت گرفته‌اند زیرا آنجا تخالس را به معنای تسالب میدانند. اما در مسالک مختلس کسی است که مال را پنهانی ربوده و فرار کند و منظور از پنهانی در این جا از نظر صاحب جواهر بردن مال با استفاده از غفلت مالک است.^{۲۴} شهیدثانی

در کتاب دیگرش می‌نویسد: «ولا يقطع المختلس وهو الذي يأخذُ المال خفيةً من غير الحرز» دست مختلس قطع نمی‌شود و او کسی است که مال را مخفیانه برمی‌دارد در حالیکه مال خارج از حرز بوده است.^{۲۵} و مرحوم خوئی می‌نویسد: «المختلس الذي يأخذُ المال الخفيةً و مع الاغفال»^{۲۶} همه فقها معتقدند که مختلس قطع ید نمی‌شود بلکه تعزیر می‌گردد. روایات متعددی هم در این زمینه وجود دارد. اگر تعاریف مذکور از جانب شهیدثانی و صاحب مبانی را بپذیریم اختلاس در تعریف ماده ۱۹۷ خواهد گنجید، زیرا قید خفیه را داراست و علت عدم قطع ید این است که مال در حرز نبوده است. لذا می‌توانیم برای مجازات مختلس حسب مورد برابر ماده ۲۰۳ یا ۶۶۱ ق.م.ا. عمل نمائیم.

د- احتیال

احتیال مأخوذ از حيله و به معنای فریب‌دادن، دسیسه و نیرنگ بکار بردن، تدلیس و پوشاندن واقع می‌باشد. احتیال یعنی توسل به حيله و فریب برای بردن مال دیگری و محتال کسی است که «برای به دست آوردن مال غیر حيله بکار برد مثل جعل اسناد و نامه‌ها و مانند آنها، که در مورد وی حدّ محارب و حدّ سارق جاری نمی‌شود بلکه آنچنان که حاکم مصلحت بیند تعزیر می‌گردد.»^{۲۷}

احتیال یا تدلیس جزائی را می‌توانیم مبنای فقهی کلاهبرداری بشناسیم. در سرقت مال به طور پنهانی ربوده می‌شود اما در احتیال یا کلاهبرداری با استفاده از حيله و تقلّب ابتدا اطمینان و اعتماد مالک جلب شده، سپس وی مال خود را با رضایت خویش، که البته رضایتی مخدوش است، به کلاهبردار می‌دهد. در این مورد باید به قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام یا قوانین

متفرقه جزائی در مورد کلاهبرداری رجوع نماییم.

ه- طراری

«طراری آن است که کسی دیگری را در حال غفلت دستبرد بزند و محتویات جیب یا کیف او را بدزدد.»^{۲۸} در طراری معمولاً از غفلت مالک استفاده می‌شود، و هر چند که ممکن است این جرم در محلهای عمومی مثل ترمینالهای مسافری صورت گیرد اما نحوه عمل چنان است که به واسطه تردستی و مهارت طرار مالک یا دیگران متوجه عمل وی نمی‌شوند، خشونت بکار نمی‌رود و بنای عمل بر پنهانکاری است.

در خصوص حکم طرار روایات مختلفند. دسته‌ای مشعر بر قطع ید طرار هستند و دسته‌ای حکایت از تعزیر وی دارند. فقها برای جمع بین این دو دسته روایت، روایتهای دسته اول را به سرقت از جیب یا آستین زیرین و روایتهای دسته دوم را به سرقت از جیب یا آستین رویین حمل نموده‌اند. همچنان که این تفکیک در بعضی از اخبار صراحتاً دیده می‌شود.^{۲۹} وجوب قطع ید در روایات دسته اول به دلیل تحقق شرط حرز است.

ماده ۶۵۷ ق.م.ا. جیب بری، کیف زنی و امثال آن را از مصادیق ربایش مال غیر شناخته است: «هر کسی مرتکب ربودن مال دیگری از طریق کیف زنی و جیب بری و امثال آن شود به حبس از یک تا پنج سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.»

و- اخذ بالسوم

سوم بر وزن یوم در لغت به معنای عرضه کالا و ذکر ثمن از طرف بایع

و تقاضای فروش از طرف مشتری را گویند و اخذ بالسوم آن است که کسی کالائی را از دست بائع یا بساط او گرفته که در آن مطالعه کند و بسنجد و بعداً وارد مذاکره برای خرید آن شود. این نوع از وضع ید بر مال غیر را اخذ بالسوم گویند.^{۳۰} هر چند که ید آخذ به دلیل اجازه صریح یا ضمنی فروشنده امانی است اما چنانچه مال حتی بدون تعدی و تفریط در دست مشتری تلف شود او ضامن است، مگر اینکه علت تلف آفت سماوی باشد.

حال اگر فردی پس از اخذ مال از فروشنده یا برداشتن آن از بساط وی بگریزد، عمل وی با تعریف ماده ۱۹۷ سازگار نیست زیرا با اطلاع و اجازه صریح یا ضمنی مالک مال را وضع ید نموده است. بر خلاف نظر بعضی از حقوقدانان^{۳۱} با وجود عنصر «سپردن و امانت مالکی» بردن مال در این شرایط به خیانت در امانت شباهت بیشتری دارد. بعضی از فقها این موضوع را در باب سرقت آورده‌اند و معتقدند که آخذ بالسوم سارق نیست چون عملش پنهانی نیست و مستحق تعزیر است.

ز- مَبْنَج و مَرَقَد

مَبْنَج اسم فاعل از کلمه بَنَج (معرب بَنَگ) که نوعی گیاه مخدره است و مَرَقَد هم اسم فاعل کلمه رَقَد یعنی خوابید و غفلت ورزید، می‌باشد. مَبْنَج و مَرَقَد کسی را گویند که از طریق دادن داروهای مخدر، خواب‌آور یا بیهوش‌کننده یا هیپنوتیزم یا خواب مصنوعی مال دیگری را ببرد. عمل چنین فردی را به دلیل فقدان رابطه علیت مستقیم و بی‌واسطه بین حیله و بردن مال نمی‌توان کلاهبرداری نامید. ولی این عمل برغم عقیده برخی حقوقدانان، از نظر فقهی، سرقت هم محسوب نمی‌شود. زیرا عمل رباینده در این فرض پنهانی نیست. هر

چند که مالک بدلیل خواب یا بیهوشی یا مستی متوجه ربایش مال خود نیست، ولی همچنانکه گفتیم منظور از پنهانی بودن صرف عدم توجه مالک نیست بلکه منظور توسل به پنهان‌کاری است. در حالیکه در فرض مسئله پس از خواب یا بیهوشی یا مستی مالک، رباینده مال را به راحتی می‌برد و به پنهان‌کاری نیازی نیست. چنین عملی مشمول کیفر تعزیری است.^{۳۲}

۵- نتیجه

از نظر فقهی و مستنبط از قانون مجازات اسلامی، سرقت در ذات خویش عملی است پنهانی و ربودن غیر پنهانی مال دیگری سرقت نیست. فقها ربایشهای غیر پنهانی را تحت عناوین خاصی مشمول کیفر تعزیری شناخته‌اند. قانونگذار ایران در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، مواد ۶۵۱ تا ۶۶۷ و بعضی مواد دیگر، مثل ۱۸۵ و ۲۰۳- بر خلاف قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲- سرقتهایی را که مشمول مجازات حدّ نیستند و همچنین بعضی از مصادیق ربودنهای مال غیر را که سرقت تلقی نمی‌شود مورد حکم قرار داده است.

پس می‌توان برای مجازات لصّ (سارق مسلّح) و راهزن به موادّ ۱۸۵ یا ۶۵۳ استناد کرد. اختلاس (در مفهوم فقهی) را به اقتضای مورد مشمول موادّ ۲۰۳ یا ۶۶۱ دانست. در مورد احتیال به ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری یا سایر نصوص قانونی راجع به جرم کلاهبرداری رجوع نمود. طّرار را طبق ماده ۶۵۷ مجازات کرد، و بالاخره مواردی مثل استلاب (اختطاف، انتهاب، غضب) یا اخذ بالسوم یا مبیّح و مرقد و خلاصه هر نوع ربایشی که مشمول تعریف سرقت نباشد را به ماده ۶۶۵ ارجاع داد. البته غیر از موارد مذکور ممکن است موارد دیگری نیز برای اجرای ماده ۶۶۵ پیدا کرد، مثل

ربایش موقت اموال دیگری. از آنجا که عرفاً متبادر از سرقت این است که سارق مال را بطور دائمی برباید، لذا نمی‌توان ربایشهای موقت را سرقت نامید. (همچنان که در حقوق کامن‌لاو^{۳۳} نیز شرط تحقق سرقت «قصد تصاحب دائمی مال دیگری» است.)^{۳۴} ولی می‌توان آن را در دایره وسیعی به نام «ربودن مال دیگری» مشمول کیفری تعزیری قرار داد. البته نباید ماده ۶۶۵ را به ربودنهای غیردائم یا موقتی محدود بدانیم.^{۳۵} و البته ما نیز معتقدیم رویه قضائی باید مصادیق اجرائی ماده فوق‌الاشاره را روشن نماید، تا از تفاسیر و برداشتهای متفاوت و نادرست جلوگیری به عمل آید. زیرا برداشتهای متفاوت در موارد یکسان یا مشابه با موازن عدالت سازگار نیست.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، جلد ۹، ص ۲۲۱.
- ۲- نجفی، شیخ محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۵۰۱.
- ۳- گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی، ص ۳۰۱ - ولیدی، محمد صالح، حقوق جزای اختصاصی، جلد اول، ص ۹۶ - شامبیاتی، هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی، جلد دوم، ص ۶۶.
- ۴- ولیدی، همان، صص ۸۸ و ۸۷.
- ۵- گلدوزیان، همان، ص ۲۷۷.
- ۶- آزمایش، علی، تقریرات نگارنده از درس حقوق جزای اختصاصی تطبیقی، سال تحصیلی ۷۱-۱۳۷۰ - حبیب زاده، محمدجعفر، حقوق جزای اختصاصی، ص ۶۱.
- ۷- نجفی، همان، ص ۵۰۱.
- ۸- میر محمد صادقی، حسین، حقوق جزای اختصاصی، جرایم علیه اموال و مالکیت، ص ۱۸۷.
- ۹- آزمایش، همان.
- ۱۰- میر محمد صادقی، همان، صص ۱۸۸-۱۸۹.
- ۱۱- آزمایش، همان - به سایر کتب حقوق جزای اختصاصی نیز رجوع کنید.
- ۱۲- ماده ۲۱۵ قانون حدود و قصاص ۱۳۶۱: «سرقه در صورتی باعث حد می‌شود که با خصوصیات زیر انجام شود: ۱- به صورت مخفیانه انجام

- گیرد. -۲ در سال قحطی نباشد. تبصره: در صورت فقدان یکی از شرایط مذکور، سارق به شرحی که در مبحث مربوطه خواهد آمد تعزیر می‌شود.»
- ۱۳- میر محمد صادقی، همان، ص ۱۸۸.
- ۱۴- حرّ عاملی، شیخ محمد حسن، وسائل الشیعه، جلد ۱۸، صص ۴۹۸ و ۵۲۲- حلی، حسن بن یوسف بن المطهر، تبصره المتعلمین فی احکام الدین، ص- ۷۵۰ امام خمینی، سیدروح‌الله، تحریر الوسیله، جلد ۲، صص ۴۸۲ و ۴۸۵- خوئی، سید ابوالقاسم، مبانی تکملة المنهاج، ج ۲، ص ۲۹۰- ابن ادریس، السرائر، ج ۳، ص ۴۹۶- محمدی- ابوالحسن، حدود و تعزیرات، ص ۱۱۷.
- ۱۵- ابن قدامة، محمد عبدالله، المغنی، ج ۸، ص ۲۴۰.
- ۱۶- الکاسانی، علاءالدین ابی بکر بن مسعود، بدائع الصنائع، ج ۷، ص ۶۵.
- ۱۷- فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، ج ۲، ص ۹۱.
- ۱۸- رجوع شود به ص ۱۲۱ این مقاله.
- ۱۹- شامیاتی، همان، ص ۳۴- آزمایش، همان- میر محمد صادقی، همان، ص ۱۸۶.
- ۲۰- رضوانی، نعمت، مقاله «ربایشهایی که مشمول عنوان سرقت نیستند» روزنامه اطلاعات، پنجشنبه، ۱۶/۷/۷۷.
- ۲۱- فرهنگ لاروس، ذیل کلمه لقر.
- ۲۲- شهید ثانی، همان، ص ۳۰۴- محمدی، ابوالحسن، حدود و تعزیرات، ص ۱۶۰.
- ۲۳- ماده ۶۸۳ ق.م.ا. از این کلمه در معنای مذکور استفاده کرده است.

- ۲۴- نجفی، شیخ محمد حسن، همان، ص ۵۹۷.
- ۲۵- شهید ثانی، همان، ص ۳۰- فیض، همان، ص ۹۰.
- ۲۶- خوئی، همان، ص ۲۸۹.
- ۲۷- امام خمینی، همان، ص ۴۴۹- طوسی، شیخ محمد حسن، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، جلد ۲، ص ۷۴۳- فاضل لنکرانی، محمد، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله، ص ۵۳۷- خوئی، همان، ص ۳۴۳- حرّ عاملی، همان، ص ۵۰۷- نجفی، همان، ص ۵۹۸.
- ۲۸- فیض، همان، ص ۹۰.
- ۲۹- حرّ عاملی، همان ص ۵۰۴- مروارید، علی اصغر، سلسله الینایع الفقهیه، ج ۲۳، ص ۳۴۷.
- ۳۰- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، ص ۱۹.
- ۳۱- میر محمد صادقی، همان، صص ۶۸-۶۹. همین نویسنده در صفحات ۱۷۵ و ۱۷۶ کتاب خود عنوان خیانت در امانت بر این عمل گذاشته است.
- ۳۲- ابن ادريس، همان، ص ۵۱۱- نجفی، همان، ص ۵۹۹.
- ۳۳- *Common Law* نظام حقوقی انگلستان و کشورهای تابعه را گویند که اساسی ترین منبع حقوق در این نظام حقوقی بجای قانون مدون (*Cod*)، عرف می باشد.
- 34- Clarkson, C.M.V, *Understanding Criminal Law.*, p.142.
- ۳۵- رضوانی، روزنامه اطلاعات، پنجشنبه، ۱۶/۷/۱۳۷۷.

منابع:

- ۱- آزمایش، علی، تقریرات درس حقوق جزای اختصاصی تطبیقی، دوره کارشناسی ارشد، سال تحصیلی ۷۱-۱۳۷۰.
- ۲- ابن ادریس حلی، السرائر، موسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۱ هـ.ق.
- ۳- ابن قدامة، محمد عبدالله بن احمد بن محمود، المغنی، انتشارات مکتبه الجمهوریه العربیه، بدون تاریخ انتشار.
- ۴- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، چاپ ششم، ۱۳۷۲.
- ۵- حبیبزاده، محمد جعفر، حقوق جزای اختصاصی (جرائم علیه اموال)، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۳.
- ۶- حرّ عاملی، شیخ محمد حسن، وسایل الشیعه، ۲۰ جلد، انتشارات المکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۱ هـ.ق.
- ۷- خمینی، امام سید روح الله موسوی، تحریر الوسیله، دو جلد، انتشارات دارالتعارف لبنان.
- ۸- خوئی، سید ابوالقاسم موسوی، مبانی تکملة المنهاج، ۲ جلد، دارالزهراء، بیروت-لبنان.
- ۹- رضوانی، نعمت، مقاله «ربایشهایی که مشمول عنوان سرقت نیستند»، روزنامه اطلاعات، پنجشنبه، ۱۶/۷/۷۷.
- ۱۰- شامیاتی، هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی، جلد دوم، انتشارات ژوبین، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۷.

۱۱- شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه،
مکتبه الداوری.

۱۲- شیخ طوسی، محمد بن حسن، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی.

۱۳- فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، جلد ۲،
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸.

۱۴- الکاسانی، علاءالدین ابی بکر بن مسعود، بدائع الصنائع، انتشارات مطبعه
جمالیه مصر، ۱۳۲۸ هـ.ق.

۱۵- گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی، ناشر: جهاد دانشگاهی،
چاپ دوم، ۱۳۶۹.

۱۶- محمدی، ابوالحسن، حقوق کیفری اسلام، حدود و تعزیرات، مرکز نشر
دانشگاهی تهران، چاپ اول، ۱۳۶۷.

۱۷- مروارید، علی اصغر، سلسله الینایع الفقهیه، موسسه فقه الشیعه - الدار
الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۰ هـ.ق.

۱۸- میر محمد صادقی، حسین، جرائم علیه اموال و مالکیت، نشر میزان،
چاپ سوم، ۱۳۷۶.

۱۹- نجفی، شیخ محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام،
دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۹۴ هـ.ق.

۲۰- ولیدی، محمد صالح، حقوق جزای اختصاصی، انتشارات امیرکبیر،
چاپ چهارم، ۱۳۷۵.

21- Oxford dictionary.

22- C.M.V. Clarkson, *Understanding Criminal Law.*,
Fontana Press, 1987.